رابطه نگرش عقلانی و بهزیستی اجتماعی اعضای هیأت علمی (مورد مطالعه: دانشگاه یزد)*

مهناز فرقانی تهرانی[1]
مسعود حاجی‌زاده میمندی[2]
سید علیرضا افشانی[3]
حبیب انصاری سامانی[4]

تاریخ دریافت : ۱٤۰۰/۰۵/۰۹
تاریخ پذیرش : ۱٤۰۱/۰٦/۱٦

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه نگرش عقلانی با بهزیستی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد پرداخته است. پژوهش به روش پیمایش انجام شده، داده‌ها با تکنیک پرسشنامه و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی از ۲۱۳ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد جمع‌آوری شده است. نگرش عقلانی در سه بعد کثرت‌گرایی، ابزاری بودن و نیت‌مندی و بهزیستی اجتماعی در پنج بعد مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی سنجیده شده است. اعتبار این پژوهش از نوع محتوایی است و برای سنجش پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که دارای مقادیر مطلوب بوده است. داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS و SmartPLS تحلیل شده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان داد با توجه به میانگین بدست آمده از دو متغیر مورد مطالعه، عقلانیت ابزاری در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد در حد پایین قرار دارد، این در صورتی است که میزان بهزیستی اجتماعی در حد بالا قرار گرفته است. بر اساس داده‌های حاصل از ماتریس همبستگی پیرسون، بین ابعاد بهزیستی اجتماعی (به غیر از بعد انسجام اجتماعی و بعد همبستگی اجتماعی) با ابعاد نگرش عقلانی با تأکید ویژه بر بعد پذیرش اجتماعی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنا که هرچقدر میزان ابعاد مورد نظر بهزیستی اجتماعی افزایش پیدا کند به تبع آن عقلانیت ابزاری در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد کاهش پیدا می‌کند. همچنین، بررسی بدست آمده از آزمون تی مستقل در زمینه رابطه متغیر زمینه‌ای جنسیت با نگرش عقلانی نشان داد که اختلاف نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی در مردان کمتر از زنان

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان؛ نگرش عقلانی در یک سازمان علمی (مورد مطالعه: دانشگاه یزد) می‌باشد.

۱ - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه یزد، یزد، ایران، mahnaz.forghany@yahoo.com

۲ - دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول) masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

۳ - استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، afshanialireza@yazd.ac.ir

٤ - دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، h.samani@yazd.ac.ir

است، در نتیجه بین اختلاف نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی برحسب جنسیت آنها رابطه وجود دارد. درنهایت، متغیر بهزیستی اجتماعی ۱۹/۱۸ درصد از تغییرات متغیر نگرش عقلانی را تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: نگرش عقلانی، بهزیستی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، اعضای هیأت علمی، دانشگاه یزد.

مقدمه و بیان مسئله

اهمیت و نقش دانشگاه در توسعه و پیشرفت کشور بر کسی پوشیده نیست؛ اما مشکلات مزمن و تکراری چون کمبود بودجه، نبود امکانات، فرسودگی تجهیزات و تب مدرک‌گرایی عرصه را برای توسعه کیفی و فعالیت تأثیرگذار دانشگاه‌ها تنگ کرده است. امروزه با توجه به کمرنگ شدن همکاری‌ها و ارتباطات دوجانبه میان اعضای هیأت علمی، کم کم دانشگاه در حال سوق پیدا کردن به سمتی است که در انجام دادن کارها و فعالیت‌های مدنظر، مؤلفه اصلی آن در نظر گرفتن حوزه شخصی و فردی می‌باشد (عقلانیت ابزاری). در این زمینه دانشگاه نقش بسیار حساس و مهمی در رابطه با الگو قرار دادن همکاری‌های متقابل میان اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری دانشگاه، این وظیفه خطیر را بر عهده دارد. ولی چیزی که ما شاهد آن هستیم این است که در دانشگاه‌ها، روز به روز از عقلانیت ارتباطی آن کم می‌شود و بر عقلانیت ابزاری آن افزوده می‌شود؛ ولی لازم است مطالعات علمی انجام شود و میزان عقلانیت ابزاری در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور مورد سنجش قرار گیرد.

در دانشگاه شاهد بحران مشارکت هستیم که دانشگاهیان با ورود پیدا کردن به آن می‌توانند به اهداف و منافع فردی دست پیدا کنند. دانشگاه کارکرد اصلی خود یعنی انتقال دانش و فرهنگ به نسل جوان و آماده کردن آنها برای ورود به محیط کار را از دست داده است. دانشگاهیان در هریک از رفتار و فعالیت‌های خود در یک محیط آکادمیک و علمی به دنبال کسب بیشترین منافع هستند. برهمین اساس، ما شاهد کاهش اخلاقیات در علم هستیم که نمونه بارز آن فساد علمی و مدرک‌گرایی در دانشگاه است. رفتار دانشگاهیان روز به روز به سمت عقلانیت ابزاری[1] (رقابت در فعالیت‌ها) سوق پیدا کرده است و ارتباطات مؤثر بین اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری دانشگاه روبه کاهش است. در واقع هریک از آنها به دیگری (با توجه به هزینه و فایده کردن در کنش‌هایشان) به منزله ابزار و یا وسیله‌ای برای رسیدن به منافع شخصی خود نگاه می‌کنند.

دانشگاه مهم‌ترین ابزار برای انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جوان و پیشرفت و توسعه جامعه به شکل صحیح می‌باشد. دانشگاه به عنوان محور عقلانیت جوامع، وظیفه خطیر انتقال، بازسازی و ارتقای فرهنگ جامعه را نیز برعهده دارد (عمیدی‌مظاهری، ۱۳۹۰: ۱۸۰). نگاه به دانشگاه در ایران سراسر ابزاری است از این رو دانشگاه برای خرد تلاش نمی‌کند؛ بلکه برای تأمین مقاصد قدرت دست به کوشش و تقلا می‌زند. تعجب افزون‌تر آن‌که حتی در حوزه خالص علمی مانند مقالات و کتب نیز همین نگاه ابزاری حاکم است. این چیزی غیر از دور ساختن دانشگاه از حقیقت و ذاتش نیست (خبرگزاری مهر). امروزه در آموزش عالی چندان برنامه‌ریزی نداریم و فکر می‌کنیم مثل سایر خدماتی که به مردم می‌دهیم، باید جایی به نام دانشگاه وجود داشته باشد که افراد از آنجا چیزی به نام مدرک بگیرند، بر این اساس مردمی که مدرک ندارند دارای مدرک بشوند. در واقع به آموزش عالی به مثابه دارایی شخصی حساب می‌کنیم که صرف داشتن آن مهم است؛ یعنی چیزی که به طور فی‌نفسه اهمیت دارد و نه اینکه چه کارکردی داشته باشد و به چه نیاز دیگری پاسخ بدهد (قانعی‌راد، ۱۳۹۵). دانشگاه مانند یک کارخانه، بنگاه تجاری و یک ساختمان حزبی، یک هویت فضایی دارد و اگر در آن به دنبال قواعدی باشیم که مربوط به قلمروها و هویت‌های فضایی دیگر است، دچار درهم‌ریختگی می‌شود. اگر دانشگاه به یک بازار (بنگاه) تقلیل پیدا کند، قواعد دانشگاه به هم می‌ریزد و ممکن است به "نادانشگاه" تبدیل شود؛ زیرا در این صورت نشانه‌های دیگری در درودیوار دانشگاه به چشم می‌خورد، نشانه‌هایی که باید در جای دیگری دیده شود (فراستخواه، ۱۳۹۷). آموزش عالی همانند هر نوع کالا یا خدمت دیگر متقاضیانی دارد. رفتار افراد براساس الگوهایی

1- Instrumental rationality

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، هر فرد با تأثیرپذیری از شرایط و متغیرهای مختلف تصمیم می‌گیرد که از خدمات آموزش عالی به عنوان یک خریدار بهره‌مند شود یا خیر (غارون، ۲۰۰۲؛ به نقل از اسدبیگی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱٤۳).

از جمله متغیرهایی که می‌تواند بر نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی دانشگاه تأثیر بگذارد، بهزیستی اجتماعی است. امروزه بهزیستی اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سلامت در کنار سلامت جسمی، روانی و معنوی نقش و اهمیت گسترده‌ای یافته است. به‌گونه‌ای که دیگر سلامتی، تنها عاری بودن از بیماری‌های جسمی و روانی نیست؛ بلکه چگونگی عملکرد انسان در روابط اجتماعی و چگونگی تفکر وی از اجتماع نیز به‌عنوان معیار ارزیابی سلامت فرد و در سطح کلان جامعه به شمار می‌رود. بهزیستی اجتماعی را تطابق و سازگاری فرد با محیط پیرامونش می‌دانند (کییز، ۲۰۰٤ به نقل از صبحی قراملکی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). مدل چندوجهی کییز (۱۹۹۸) بهزیستی اجتماعی را شامل پنج جنبه اعم از انسجام، همبستگی، پذیرش، مشارکت و شکوفایی اجتماعی می‌داند که میزان کارکرد بهینه افراد را در عملکرد آنها معلوم می‌کند. از نظر او شناخت و پذیرش دیگران، عنصر پذیرش فرد به عنوان یک شریک اجتماع، عنصر مشارکت و سرانجام باور به تحول مثبت اجتماعی، عنصر شکوفایی بهزیستی اجتماعی است. این عناصر می‌توانند وحدت اجتماعی، تشریک مساعی، پیوند اجتماعی و حس ظرفیت برای رشد مداوم جامعه و میزان راحتی افراد را در پذیرش دیگران ارزابی کنند (کییز، ۲۰۰۵؛ به نقل از ملایوسفی و سپاه منصور، ۱۳۹٦: ۹٤).

بر این اساس چنانچه ملاحظه می‌گردد تقویت بهزیستی اجتماعی و ابعاد آن شامل مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی و همبستگی اجتماعی در جهت کاهش دادن مسائل و آسیب‌های ناشی از عدم مشارکت و عقلانیت ابزاری خواهد بود. باتوجه به آنچه گفته شد مفهوم بهزیستی اجتماعی می‌تواند متناسب با اهدافی که در بر دارد نگرش عقلانی دانشگاهیان را به سمت و سوی عقلانیت ارتباطی و افزایش مشارکت‌ها سوق دهد. لذا مطالعه حاضر قصد دارد که علاوه بر تعیین نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد به بررسی تأثیر و نقش بهزیستی اجتماعی و ابعاد ۵ گانه آن در تبیین نگرش عقلانی و ابعاد ۳ گانه آن (کثرت‌گرایی، ابزاری بودن و نیت‌مندی) در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد بپردازد.

سؤالات پژوهش

در این پژوهش، سؤال اصلی عبارت است از بررسی تأثیر بهزیستی اجتماعی بر روی نحوه نگریستن به دانشگاه در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد.

سؤالات فرعی عبارتند از:

۱. بهزیستی اجتماعی بر روی نوع و میزان عقلانیت در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد تأثیرگذار است.

۲. عوامل زمینه‌ای (جنسیت) بر روی نحوه نگریستن به دانشگاه در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد تأثیرگذار است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

نظریه کنش ارتباطی

نظریه کنش ارتباطی در ساحت خود حاوی توان تأثیرگذاری عمیقی در آموزش عالی و دانشگاه به ویژه با توجه به مسائل و مشکلات موجود در آموزش عالی و دانشگاه در کشور ما است.

تأثیرات در حوزه هدف

از دیدگاه هابرماس، دانشگاه نمونه‌ای از قلمرو اجتماعی است که در آن هر آنچه که به افکار عمومی مربوط و منجر می‌شود، می‌تواند شکل بگیرد (هابرماس، ۱۳۸٤: ۲۷؛ به نقل از ستاری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳۱). در ارتباط با مفهوم جهان‌زیست، نظام آموزش عالی و دانشگاه به عنوان خرده‌نظام‌هایی از نظام آموزشی و نظام آموزشی خود به عنوان خرده‌نظامی از نظام اجتماعی کل قرار دارد. در درون نظامات یاد شده ما با کنشگرانی از سطح دولت و سرمایه‌گذاران و ورودی‌هایی شامل دانشجویان، اعضای هیأت علمی، مدیران، والدین و سایر نیروهای انسانی

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

سروکار داریم که هر کدام دارای قدرت فاهمه، استدلال و حس مشترکی هستند که گرد هم جمع شده‌اند. در ارتباط با مفهوم حوزه عمومی دانشگاه به مثابه حوزه عمومی مجموعه‌ای از رفتارها، مواضع و جهت‌گیری‌های ارزشی و هنجاری را تولید می‌کند که در نهایت به صورت ابزاری مؤثر برای تأثیرگذاردن بر رفتار و عملکرد دولت به ویژه در عقلانی ساختن قدرت عمل می‌کند. بدین منظور افراد از طریق مفاهمه، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل، موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌های هنجاری‌ای را اتخاذ می‌کند که بر فرآیند اعمال قدرت دولت، تأثیراتی آگاهی‌دهنده و عقلانی‌ساز باقی می‌گذارد. در زمینه هدف‌های آموزشی، نظریه کنش ارتباطی هابرماس بر فرآیند هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها در آموزش عالی و دانشگاه تأثیر می‌گذارد؛ چرا که آموزش عالی و دانشگاه به عنوان یک قلمرو اجتماعی در جهت‌گیری‌ها و در فرآیند هدف‌گذاری‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی تحت تأثیر خواست‌ها و اراده افکار عمومی موجود در آموزش عالی و دانشگاه قرار دارد. این تأثیر از طریق جهان‌زیستی که اعضای آن را مسؤولان آموزش عالی و دانشگاه اعم از اساتید، دانشجویان و مدیران و سایر افراد تشکیل می‌دهند، می‌تواند صورت گیرد (ستاری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳۳-۱۳۱).

تأثیرات در حوزه محتوای آموزشی

در ارتباط با محتوای آموزشی، تأثیر نظریه کنش ارتباطی هابرماس را از سه جهت می‌توان بررسی نمود. اول از جهت محتوایی که قرار است آموزش داده شود. در این زمینه با تکیه بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس، محتوای آموزشی در دانشگاه محتوایی است که متخصصان آموزش عالی و مخاطبان آموزشی از طریق تعامل و گفت و گو به ضرورت آموزش آن پی برده و در مورد آن اتفاق نظر خواهند داشت. دوم از جهت فرآیند آماده‌سازی محتوا برای آموزش است. در این صورت لازم است محتوا به متخصصان برنامه درسی، اعضای هیأت علمی و دانشجویان براساس نیازهای تلفیق یافته از نیازهای فردی و اجتماعی و با تکیه بر توصیه متخصصان برنامه درسی و طی فرآیندی مشارکتی تدوین گردد. سوم از جهت محتواهای جدیدی است که لازم است تولید شود (ستاری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳۳).

تأثیرات در حوزه روش‌ها

روش‌های آموزش عالی در سه حوزه روش‌های تدریس-یادگیری، روش‌های ساختی-سازمانی و روش‌های مربوط به برنامه و محتوای درسی قابل شناسایی است. در ارتباط با روش تدریس-یادگیری، نظریه کنش ارتباطی هابرماس، فرآیند تدریس-یلدگیری یک‌سویه را که در آن مباحث به صورت تئوریک از سوی مدرسان به دانشجویان ارائه می‌شود، انتقاد وارد می‌سازد (تری ، ۱۹۹۷: ۲۷۹-۲٦۹؛ به نقل از ستاری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳٤-۱۳۳). همچنین در حوزه روش‌های ساختی-سازمانی مفاهیم کنش عقلانی، کنش کلامی، کنش ارتباطی و حوزه عمومی هرکدام تأثیراتی را بر ساختار، روش‌ها و سبک‌های مدیریت آموزش عالی و دانشگاه از خود به جای می‌گذارد. با تکیه بر مفاهیم یاد شده در نظریه هابرماس، سبک مدیریت و سازمان آموزش عالی و دانشگاه از سبک مدیریت متمرکز در سطوح بالا خارج شده و به واسطه نیاز به کنش‌های کلامی و ارتباطی بیشتر به سبک غیرمتمرکز در سطوح پایین‌تر نزدیک می‌شود (ستاری و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۳٤).

نظریه انتخاب عقلانی

مبنای نظریه انتخاب عقلانی، تلاش برای بیشینه‌سازی سود از سوی عاملان و کنشگران اجتماعی است؛ اما از آنجا که انسان‌ها بدون حضور در گروه‌های اجتماعی قادر به تحقق این امر نیستند، ناگزیرند در تعاملات گروهی مشارکت کنند تا بتوانند به اهداف و اغراض خود دست پیدا نموده، فایده حداکثری را کسب کنند. یکی از آبشخورهای مهم نظریه انتخاب عقلانی، سنت و فلسفه فایده‌انگاری یا سودباوری[1] است که براساس آن انسان در پی بیشینه‌سازی فایده برای نیل به بیشترین لذت است. نظریه انتخاب عقلانی موجود، انسانی را کنشگر عاقل و انتخاب‌گر تعریف می‌کند که در موضع‌گیری‌ها خود و با در نظر گرفتن هزینه و فایده، دست به انتخاب می‌زند و تلاش می‌کند بهترین گزینه را انتخاب کند. ترنر فرض‌های نظریه انتخاب عقلانی را در موارد ذیل خلاصه می‌کند:

۱. انسان‌ها هدف‌دار و هدف‌جو هستند.

۲. انسان‌ها دارای مجموعه‌ای از ترجیحات فایده‌مند هستند که نظم سلسله‌مراتبی دارند.

1- Utilitarianism

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

۳. انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری، به اشکال زیر محاسبه عقلانی می‌کنند:

الف) فایده مسیرهای مختلف رفتار باتوجه به سلسله‌مراتب ترجیحات؛ ب) هزینه‌های هر گزینه برحسب منافع صرف‌نظر شده؛ ج) بهترین راه بیشینه‌سازی منافع.

٤. بازتولید پدیده‌های اجتماعی همچون ساختارهای جامعه، تصمیمات و رفتار جمعی، مجموعه‌ای از عوامل را برای انتخاب‌های عقلانی بعدی افراد فراهم می‌کند، به نحوی که عوامل تعیین‌کننده زیر را مدنظر دارد:

الف) توزیع منابع در میان افراد؛ ب) توزیع فرصت‌ها برای مسیرهای مختلف رفتار؛ ج) توزیع و نوع هنجارها و تعهدات در یک موقعیت (ترنر، ۱۹۹۸، به نقل از کلاته ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

کییز از نظریه‌پردازان بهزیستی اجتماعی، معتقد است کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی‌توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت جسمی، عاطفی و روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد (افجه و سام‌آرام، ۱۳۸۹؛ به نقل از رضایی و نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹٦، ٤۰). وی مفهوم بهزیستی اجتماعی را به معنی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع بیان می‌کند و به رابطه قوی بین بهزیستی اجتماعی، ازخودبیگانگی اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی اشاره کرده است. وی باتوجه به تحقیقاتی که انجام داده است، بهزیستی اجتماعی را دارای پنج بعد می‌داند: یکپارچگی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، سهم‌داشت اجتماعی، شکوفایی اجتماعی و انسجام اجتماعی. از نظر کییز افرادی که بهزیستی اجتماعی دارند، دنیای اطراف خود را پیش‌بینی‌پذیر، بامعنی و سرشار از پتانسیل‌های پیشرفت می‌بینند. آنها خودشان را به عنوان بخشی از یک گروه بزرگ‌تر می‌بینند، دیگران را می‌پذیرند و احساس می‌کنند که مشارکتشان در گروه برای دیگران ارزشمند است (کییز و اشموتکین[1] و ریف[2]، ۲۰۰۲؛ به نقل از رضایی و نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹٦، ٤۰). کییز معتقد است یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های سلامت کلی افراد، حمایت اجتماعی است. حمایت اجتماعی بر روی ارزیابی شناختی فرد از محیطش و سطح اطمینان فرد به اینکه در صورت لزوم، کمک و حمایت در دسترس خواهد بود، متمرکز است (تریسی[3]، ۱۹۹۰؛ به نقل از رضایی و نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹٦، ٤۱). یکی از تبعات حمایت اجتماعی، سلامت روان است. همچنین، تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت جسمی و برخورداری از بهزیستی مورد تأیید قرار گرفته است (کوهن و ویلز[4]، ۱۹۸۵؛ رابرت و گاتلیب[5]، ۱۹۹۷؛ به نقل از رضایی و نوغانی دخت بهمنی، ۱۳۹٦، ٤۱).

در ارتباط با پیشینه پژوهش‌های انجام یافته در زمینه موضوع پژوهش حاضر، پژوهش‌های مرتبط با هریک از دو متغیر مورد بررسی به‌صورت جداگانه در زیر آورده شده است.

در پژوهشی، تری[6] (۱۹۹۷) به بررسی نقش هابرماس در آموزش با تکیه بر سه مفهوم دانش، ارتباط و گفت و گو می‌پردازد و روابط این سه مفهوم و بازتاب‌های آن را در جریان آموزش بررسی می‌کند. پژوهشگر در واقع به دنبال بررسی نقش نظریه انتقادی هابرماس در رسیدگی به مسائل آموزش در دوران کنونی است. وی با در نظر گرفتن تلقی‌های رایج در باب دانش و با ملاحظه نقش ارتباط زبانی در رسیدن به توافقات مهم در حوزه آموزش، با تکیه بر اندیشه هابرماس می‌کوشد تا جنبه‌های مختلف عناصر نظریه کنش ارتباطی هابرماس را

1- Shmotkin

2- Ryff

3- Tracy

4- Cohn and Wills

5- Robert and Gotlib

6- Terry

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

در آموزش بررسی کند. کییز و شاپیرو (۲۰۰٤) در بررسی آسیب‌شناختی بهزیستی اجتماعی در آمریکا به توزیع نابرابر ابعاد بهزیستی در بین آمریکاییان و رابطه بهزیستی اجتماعی با وضعیت تأهل و جنسیت پی بردند. بلانکو و دیاز (۲۰۰۷) در بررسی ارتباط بین نظم اجتماعی و سلامت روان با رویکرد بهزیستی اجتماعی به این نتیجه رسیدند که تصویر مثبت، تجارب خوب و خوش‌بینی افراد موجب افزایش اعتماد به نفس، رضایت از زندگی و بهزیستی آنها می‌شود. باباپور، طوسی و حکمتی (۱۳۸۸) در بررسی نقش عوامل تعیین‌کننده در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز، به تفاوت بین رشته‌های مختلف در شکوفایی اجتماعی و عدم ارتباط بین قومیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با سلامت اجتماعی پی بردند. نورشاهی و فراستخواه (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان کیفیت زندگی کاری اعضای هیأت علمی براساس تجربه زیسته آنها، کنش‌های ارتباطی و تعاملات همکارانه، آزادی علمی، اخلاق حرفه‌ای، رضایت شغلی، فرصت‌های رشد و بالندگی، توازن و تناسب حجم فعالیت‌ها را به عنوان سازنده‌ها شناسایی کرده‌اند. زارع (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت برگرفته از کتاب دکتر مقصود فراستخواه در سال ۱۳۸۸ اظهار داشت که در حال حاضر شاید به جرأت بتوان گفت که آموزش عالی و محیط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن، به طور فزاینده‌ای در بسیاری از کشورها تحت‌نفوذ "شرایط بازاری" آن هم در عصر فراصنعتی و جامعه دانش‌محور قرار گرفته است. عباسی (۱۳۹٤) در پژوهشی با عنوان مقایسه بهزیستی اجتماعی و اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری خاص بیان داشت که بین دو گروه در اضطراب اجتماعی و بهزیستی اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. این دانش‌آموزان نسبت به گروه سالم از بهزیستی اجتماعی پایین‌تری برخوردار بودند. عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان نظریه‌پردازی راجع به الگوی مطلوب اعتبارسنجی نظام آموزش عالی ایران به شیوه نظریه زمینه‌ای بیان داشتند که اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نظام آموزش عالی ایران، تحت‌تأثیر یک‌سری شرایط است (شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای). شرایط علی عبارت‌اند از: پذیرفته‌شدگان، دانشجویان، اعضای هیأت علمی و رئیس دانشگاه. این عوامل، رویدادهایی هستند که منجر به توسعه پدیده اعتبارسنجی و تضمین کیفیت می‌شوند. شرایط مداخله‌گر نیز شامل بودجه، منابع یادگیری، فناوری و فرآیند یاددهی-یادگیری است. اهداف و رسالت‌ها، ساختار سازمانی و سیمای دانشگاه در شرایط زمینه‌ای طبقه‌بندی می‌شوند. رضایی و نوغانی دخت بهمنی (۱۳۹٦) پژوهشی تحت عنوان بهزیستی اجتماعی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن انجام داده‌اند. نتایج حکایت از آن دارد که متغیرهایی نظیر سن، وضعیت تأهل، عضویت در انجمن‌های دانشجویی، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی بر بهزیستی اجتماعی دانشجویان تأثیرگذارند. یافته‌های پژوهش صبحی قراملکی و همکاران (۱۳۹۷) حکایت از آن دارد که آموزش مهارت‌های اجتماعی بر بهبود بهزیستی اجتماعی دانش‌آموزان قلدر مؤثر بوده است. همچنین می‌توان بیان کرد از آنجا که آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش رفتارهای سازگار و ایجاد همدلی تأثیر مهمی داشته باشد، این درمان می‌تواند منجر به بهبود بهزیستی اجتماعی در این دانش‌آموزان شود. محمدی و زیباکلام (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نولیبرالیسم و خیزش پاسخگویی در دانشگاه؛ تأملی بر تلفیق دانشگاه به عنوان نهاد شبیه بازار به این نتیجه دست یافتند که بازاری‌سازی، مدیریت نوی عمومی و حاکمیت سیستم پاسخگویی در دانشگاه‌ها بخشی از سیاست‌های محافظه‌کارانه نولیبرالیسم است که هدف نهایی آن پرورش هویتی موافق نظام نولیبرال و مشروعیت‌بخشی به روابط نابرابر قدرت است. صفاری‌نیا و عزیزی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر طرحواره و درمان گروهی بر بهزیستی اجتماعی و ادراک اعتماد اجتماعی در دانشجویان بیان داشتند که طرحواره‌درمانی گروهی می‌تواند به‌طور معناداری موجب بهبود بهزیستی اجتماعی و ادراک اعتماد اجتماعی افراد شود.

روایت جامعه‌شناختی نظریه انتخاب عقلانی، تمام رفتارهای بشر را عقلانی تصور نمی‌کند، بلکه اعتقاد دارد که مردم به تعداد و دفعات کافی دست به کنش عقلانی می‌زنند که نظریه انتخاب عقلانی به یک گزاره کارآمد تبدیل می‌شود، و همچنین کنش عقلانی از لحاظ روش‌شناختی مقدم است، یعنی وقتی سعی می‌کنیم کنش انسانی را درک کنیم، باید تبیین‌ها و الگوهای عقلانی را در اولویت قرار دهیم (اسنلمن[1]، ۲۰۱۵، جوادی‌یگانه و هاشمی، ۱۳۸٤ و قانعی‌راد، ۱۳۹۵). از طرف دیگر با اولویت دادن به کنش عقلانی، راه برای نگاه کردن به سایر انگیزه‌ها باز می‌شود، یعنی با نگاه کردن به شیوه‌های تفاوت واقعیت با آنچه در صورت عقلانی بودن کنش افراد می‌توان انتظار داشت،

1- Snellman

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

کشف جنبه‌های غیرعقلانی رفتار آنها امکان‌پذیر است. براساس مدل انتخاب عقلانی، هر کنشگر عاقل ممکن است در موقعیت‌هایی قرار گیرد که عقلانیت ابزاری به وی حکم کند که نفع فردی (آنی) را انتخاب کند. اما منطق آن نوع خاصی از موقعیت، به گونه‌ای باشد که انتخاب گزینه نفع فردی توسط او و بسیاری دیگر از کنشگران عاقل، نتیجه‌ای را به دنبال دارد که به زیان همگان از جمله آن کنشگران عاقل است (جوادی‌یگانه و هاشمی، ۱۳۸٤: ۱٤٦-۱٤٥).

هر پژوهش باید چارچوب مفهومی دقیق داشته باشد که بتوان به عنوان نقشه راه پژوهش برای گردآوری داده‌ها و دانش تولید شده از پژوهش و مناسب بودن آنها برای پرسش و هدف پژوهش را بصورت علمی قضاوت کرد. باتوجه به مبانی نظری پژوهش و چارچوب نظری که در بالا به آن اشاره گردید، می‌توان مدل مفهومی زیر را به عنوان اساس کار پژوهش حاضر ترسیم کرد. در این مدل، به بررسی ارتباط بین ابعاد متغیر بهزیستی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد (شکوفایی اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی) با متغیر نگرش عقلانی پرداخته شده است و هدف از برقراری رابطه بین این متغیرها بیان این مطلب است که دانشگاه مهم‌ترین ابزار برای انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جوان و پیشرفت و توسعه جامعه به شکل صحیح می‌باشد که بایستی رسالت اصلی خود را حفظ نماید و دانشگاهیان ارتباطات را با یکدیگر تحکیم بخشند و از رابطه مبتنی بر کاسب‌کارانه و اقتصادی با هم‌نوعان خود جلوگیری کنند. در نهایت با بهبود جامعه دانشگاهی، جامعه به پیشرفت و توسعه قدم خواهد برداشت.

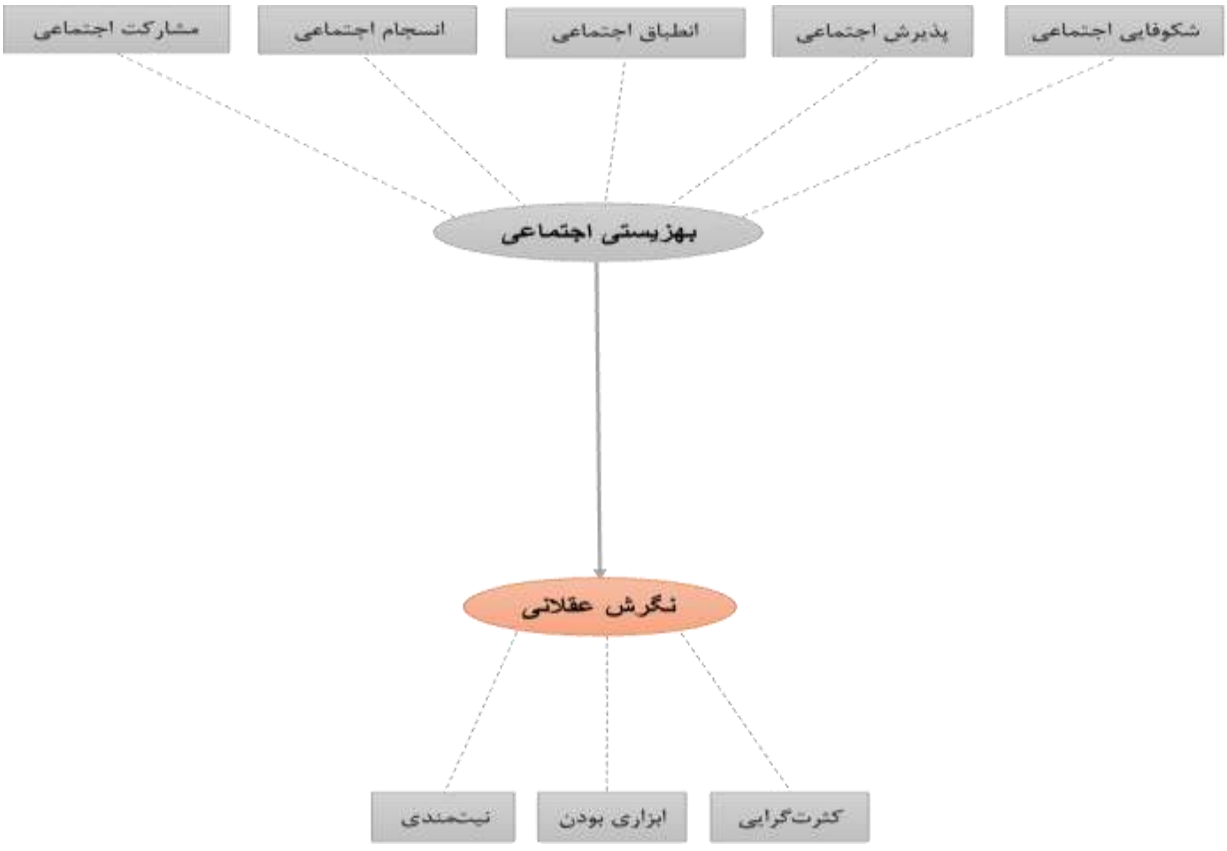

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است. جمعیت پژوهش را کلیه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد (٤٧٧ نفر) تشکیل می‌دهند. در این پژوهش از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است که با توجه به واریانس به دست آمده از پیش آزمون (۰/۱٦) و سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد ۲۱۳ نفر محاسبه شد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نسبی استفاده گردید. اعتبار ابزار به شیوه محتوایی احراز شده است. برای اطمینان از پایایی ابزار پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته (با تفکیک ابعاد) در بین نمونه مورد مطالعه، در جدول زیر آمده است:

جدول ۱: ضرایب پایایی ابعاد مختلف نگرش عقلانی و بهزیستی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد

شاخص	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)	شاخص	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
کثرت‌گرایی	۰/۷۱	مشارکت اجتماعی	۰/۷۳
ابزاری بودن	۰/۷۵	پذیرش اجتماعی	۰/۷۴
نیت‌مندی	۰/۷۲	شکوفایی اجتماعی	۰/۷۶
نگرش عقلانی	۰/۸۳	انسجام اجتماعی	۰/۸۴
		همبستگی اجتماعی	۰/۸۴
		بهزیستی اجتماعی	۰/۷۷

در این پژوهش برای تعیین پایایی پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS به تفکیک دو نمونه اعضای هیأت علمی و دانشجویان دکتری دانشگاه یزد محاسبه شده است. همانطور که جدول شماره یک نشان می‌دهد، مقدار آلفا برای پرسشنامه نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد برابر با ۰/۸۳ و پرسشنامه بهزیستی اجتماعی برابر ۰/۷۷ بدست آمده است و همچنین برای تمام زیرمقیاس‌ها، مقدار آلفای مورد نظر از اعتبار قابل قبولی برخوردار بودند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

نگرش عقلانی: نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند (گنجی، ۱۳۹۰). در رابطه با مفهوم عقلانیت اولاً، مفهوم ابزاری وجود دارد، اساساً این ایده که افراد و سازمان‌ها از لحاظ ابزاری منطقی هستند؛ یعنی بهترین اقدامات را برای رسیدن به اهدافشان اتخاذ می‌کنند. ثانیاً، مفهوم بدیهی (اصل بدیهی) وجود دارد که عقلانیت، مسئله منطقی بودن مطابق با ترجیحات و اعتقادات شما است. بر این اساس، افراد بر صحت (درستی) باورها و استفاده کامل اطلاعات تأکید می‌کنند. در این دیدگاه فردی که منطقی نیست، دارای عقایدی است که از اطلاعاتی که آنها دارند به‌طور کامل استفاده نمی‌کند (آناند، ۱۹۹۳).

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

به‌منظور سنجش میزان نگرش عقلانی، این مقوله در ۳ بعد جداگانه شامل کثرت‌گرایی (شامل ٦ گویه)، ابزاری بودن (شامل ۷ گویه) و نیت‌مندی (شامل ۷ گویه) جمعاً ۲۰ گویه در یک طیف ۵ درجه‌ای سنجیده شد. سازه نگرش عقلانی از حاصل جمع گویه‌های مذکور ساخته شده که کمترین امتیاز ۲۰ و بیشترین امتیاز ۱۰۰ بود.

بهزیستی اجتماعی: کییز (۱۹۹۸) بهزیستی اجتماعی را به عنوان گزارش شخصی افراد از کیفیت ارتباطات آنها با دیگران تعریف می‌کند. از ابتدا، بهزیستی اجتماعی به عنوان ادراک افراد از یکپارچگی آنها با جامعه پذیرش دیگران، پیوستگی با اجتماع و احساس فرد از مشارکت با جامعه تعریف می‌شد (لارسون[1]، ۱۹۹٦، به نقل از حیدری و غنایی، ۱۳۸۷: ۳۱-۳۲).

به‌منظور سنجش میزان بهزیستی اجتماعی پاسخگویان، گویه‌های این متغیر در طیف پنج قسمتی (کاملا مخالفم، مخالم، نظری ندارم، موافقم، کاملا موافقم) ارزش‌گذاری شد که از ۱ تا ۵ امتیاز به آن اختصاص داده شده است. مجموع امتیازات پاسخگو، میزان بهزیستی اجتماعی را در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد مشخص می‌کند. حداقل امتیاز پاسخگو ۱ و حداکثر امتیاز ۳۰ و ۳۵ برای هر بعد خواهد بود.

شیوه امتیازدهی به متغیر میزان بهزیستی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد که دارای ٦ گویه می‌باشد، در قالب جدول زیر آورده شده است:

جدول ۲. دامنه امتیازات گویه‌های متغیر میزان بهزیستی اجتماعی مربوط به پرسشنامه‌های اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد

ابعاد بهزیستی اجتماعی	تعدادگویه	حداقل امتیاز گویه	حداکثر امتیاز گویه	حداقل امتیاز هربعد	حداکثر امتیاز هربعد
مشارکت اجتماعی	۶	۱	۵	۶×۱=۶	۶×۵=۳۰
پذیرش اجتماعی	۶	۱	۵	۶×۱=۶	۶×۵=۳۰
شکوفایی اجتماعی	۷	۱	۵	۷×۱=۷	۷×۵=۳۵
انسجام اجتماعی	۶	۱	۵	۶×۱=۶	۶×۵=۳۰
همبستگی اجتماعی	۷	۱	۵	۷×۱=۷	۷×۵=۳۵
بهزیستی اجتماعی	۳۲	-	-	۳۲	۱۶۰

همچنین به‌منظور سنجش نگرش عقلانی پاسخگویان، گویه‌های این متغیر در طیف پنج قسمتی (هیچ وقت، به ندرت، برخی اوقات، بیشتر اوقات، همیشه) ارزش‌گذاری شد که از ۱ تا ۵ امتیاز به آن اختصاص داده شده است. مجموع امتیازات پاسخگو، نگرش عقلانی را در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد مشخص می‌کند. حداقل امتیاز پاسخگو ۱ و حداکثر امتیاز ۳۵ خواهد بود.

شیوه امتیازدهی به متغیر نگرش عقلانی در قالب جدول زیر آورده شده است:

جدول ۳. دامنه امتیازات گویه‌های متغیر نگرش عقلانی مربوط به پرسشنامه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد

ابعاد نگرش عقلانی	تعدادگویه	حداقل امتیاز گویه	حداکثر امتیاز گویه	حداقل امتیاز هربعد	حداکثر امتیاز هربعد
کثرت‌گرایی	۶	۱	۵	۶×۱=۶	۶×۵=۳۰
ابزاری بودن	۷	۱	۵	۷×۱=۷	۷×۵=۳۵
نیت‌مندی	۷	۱	۵	۷×۱=۷	۷×۵=۳۵
نگرش عقلانی	۲۰	-	-	۲۰	۱۰۰

1-Larson

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2008800.1400.13.3.2.0]

یافته‌های پژوهش

اطلاعات بدست آمده از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که بیشتر جمعیت مورد مطالعه را اعضای هیأت علمی مرد (معادل ۸۷/۳ درصد) و کمترین آن را اعضای هیأت علمی زن (معادل ۱۲/۷ درصد) تشکیل می‌دهند. از نظر وضعیت تأهل، ۷/۰ درصد از اعضای هیأت علمی مجرد، ۹۲/۰ درصد آنها متأهل و ۰/۹ درصد به‌عنوان سایر لحاظ گردید. از نظر رشته تحصیلی، علوم انسانی (معادل ۴۷/۹ درصد) بیشترین رشته تحصیلی، علوم پایه (معادل ۳۳/۳ درصد)، فنی-مهندسی (معادل ۸/۵ درصد) و منابع طبیعی (معادل ۱۰/۳ درصد) کمترین رشته تحصیلی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد بوده است. میانگین سنی جمعیت آماری پژوهش در نمونه موردنظر ۴۴/۷۳ سال می‌باشد. از لحاظ وضعیت سکونت ۱۶/۹ درصد به‌عنوان بومی استان یزد و ۸۳/۱ درصد در وضعیت غیربومی سکونت دارند. همچنین از نظر ساختار طبقاتی جامعه، ۳۵/۷ درصد از اعضای هیأت علمی در وضعیت خوب و ۶۴/۳ درصد آنها در وضعیت متوسط قرار داشتند.

جدول ٤. آماره‌های توصیفی سازه نگرش عقلانی

سازه	تعداد	دامنه‌تغییرات	کمترین‌مقدار	بیشترین‌مقدار	میانگین	انحراف‌معیار
نگرش عقلانی	۲۱۳	۲۳	۲۱	۴۴	۳۲/۱۶	۴/۹۸

همان‌طورکه داده‌های جدول ٤ نشان می‌دهد، کمترین مقدار مربوط به سازه نگرش عقلانی ۲۱ و بیشترین مقدار ٤٤، میانگین نگرش عقلانی ۳۲/۱٦ و انحراف‌معیار ٤/۹۸ گزارش شده است.

جدول ۵. آماره‌های توصیفی سازه بهزیستی اجتماعی

سازه	تعداد	دامنه‌تغییرات	کمترین‌مقدار	بیشترین‌مقدار	میانگین	انحراف‌معیار
بهزیستی اجتماعی	۲۱۳	۲۱	۱۱۹	۱۴۰	۱۲۷/۴۴	۴/۳۸

همان‌طورکه داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد، کمترین مقدار مربوط به سازه بهزیستی اجتماعی ۱۱۹ و بیشترین مقدار ۱٤۰، میانگین بهزیستی اجتماعی ۱۲۷/٤٤ و انحراف‌معیار ٤/۳۸ گزارش شده است.

جدول ٦. نتایج آزمون تی جهت مقایسه نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد در ابعاد مختلف

ابعاد نگرش عقلانی	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
کثرت‌گرایی	۹/۲۵	۱/۸۸	۷۱/۵۰	۲۱۲	۰/۰۰۰
ابزاری بودن	۱۱/۲۱	۲/۵۱	۶۵/۰۴	۲۱۲	۰/۰۰۰
نیت‌مندی	۱۱/۷۰	۲/۰۱	۸۴/۷۳	۲۱۲	۰/۰۰۰
نگرش عقلانی (کل)	۳۲/۱۶	۴/۹۸	۹۴/۱۷	۲۱۲	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول ٦ چنان‌چه ملاحظه می‌گردد، در حالت کلی بین میانگین هر یک از ابعاد ۳گانه نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد تفاوت معنی‌داری وجود داشت. میانگین بعد کثرت‌گرایی (شامل ۹/۲۵ درصد)، میانگین بعد ابزاری بودن (شامل ۱۱/۲۱ درصد) و میانگین بعد نیت‌مندی (شامل ۱۱/۷۰ درصد) بوده است.

بر اساس آنچه گفته شد، بهزیستی اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم اساسی در حوزه علوم اجتماعی به شمار می‌رود بر همین اساس انتظار می‌رود که تأثیر قابل توجهی بر روی نگرش عقلانی داشته باشد. بنابراین برای تعیین رابطه میزان بهزیستی اجتماعی و نگرش عقلانی متناسب با ابعاد هریک از مؤلفه‌ها در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد از آزمون پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۷ به شرح‌زیرآمده‌است:

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

جدول ۷: ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین ابعاد بهزیستی اجتماعی و ابعاد مختلف نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد

	کثرت‌گرایی	ابزاری بودن	نیت‌مندی	نگرش عقلانی	مشارکت اجتماعی	پذیرش اجتماعی	شکوفایی اجتماعی	انسجام اجتماعی	همبستگی اجتماعی
ابزاری بودن	۰/۴۷۳**								
نیت‌مندی	۰/۳۰۱**	۰/۴۰۴**							
نگرش عقلانی	۰/۷۴۰**	۰/۸۴۷**	۰/۷۲۳**						
مشارکت اجتماعی	-۰/۱۶۳*	۰/۱۴۱*	-۰/۱۰۴	-۰/۰۳۳					
پذیرش اجتماعی	-۰/۰۳۶	-۰/۱۱۳	-۰/۱۶۵*	-۰/۱۳۷*	-۰/۰۳۶				
شکوفایی اجتماعی	۰/۲۵۳**	۰/۱۱۱	-۰/۰۷۹	۰/۱۲۰	۰/۰۱۰	۰/۳۲۸**			
انسجام اجتماعی	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۰	-۰/۰۱۱	۰/۰۸۳	۰/۲۵۵**	۰/۳۱۶**		
همبستگی اجتماعی	-۰/۱۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۴۶	-۰/۰۱۸	۰/۱۹۰**	-۰/۰۰۳	-۰/۲۱۶**	-۰/۰۱۶	
بهزیستی اجتماعی	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۰	-۰/۱۲۵	-۰/۰۳۶	۰/۵۴۳**	۰/۵۵۳**	۰/۴۸۷**	۰/۵۹۸**	۰/۴۱۸**

*** معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۰۱ **معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۱ * معنی‌دار در سطح کمتر از ۰/۰۵

اطلاعات جدول ۷ نشان می‌دهد در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد، ابعاد بهزیستی اجتماعی با ابعاد نگرش عقلانی (به غیر از بعد انسجام اجتماعی و بعد همبستگی اجتماعی) رابطه معکوس و معنی‌داری دارد. در واقع مشارکت اجتماعی بیشترین رابطه را با ابعاد کثرت‌گرایی (r = -۰/۱۶۳) و ابزاری بودن (r = ۰/۱۴۱) دارد. پذیرش اجتماعی بیشترین رابطه معکوس و معنی‌دار را با بعد نیت‌مندی (r = -۰/۱۶۵) دارد. همچنین شکوفایی اجتماعی رابطه مستقیم و معنی‌داری با بعد کثرت‌گرایی در نگرش عقلانی (r = ۰/۲۵۳) داشته است. در بین ابعاد مختلف بهزیستی اجتماعی، پذیرش اجتماعی قوی‌ترین رابطه را با نگرش عقلانی (r = -۰/۱۳۷) دارد. در واقع، با توجه به نتایج بدست آمده از ماتریس همبستگی بین دو مؤلفه پژوهش یعنی بهزیستی اجتماعی و نگرش عقلانی، با افزایش بهزیستی اجتماعی در هریک از ابعاد آن بخصوص بعد پذیرش اجتماعی، نگرش عقلانی در هریک از ابعاد آن کاهش چشمگیری خواهد داشت. بنابراین، فرضیه شماره ۱ برای گروه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد متناسب با متغیر بهزیستی اجتماعی تأیید می‌گردد.

جدول ۸: نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه اختلاف نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد بر حسب جنسیت آنها

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین‌ها
مردان	۱۸۶	۳۱/۸۴	۴/۸۱۷	-۲/۴۹۱	۲۱۱	۰/۰۱۴	-۲/۵۲۶
زنان	۲۷	۳۴/۳۷	۵/۶۳۱				

در جدول ۸ بررسی اختلاف نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی برحسب جنسیت آنها آمده است، باتوجه به اینکه، سطح سنجش متغیر مستقل اسمی دوشقی و متغیر وابسته فاصله‌ای است، از آزمون t گروه‌های مستقل استفاده شده است، که از ۲۱۳ نفر اعضای هیأت علمی، ۱۸۶ نفر مرد و ۲۷ نفر زن می‌باشند. اندازه t برابر ۲/۴۹۱- با سطح معنی‌داری ۰/۰۱۴ شده است و نشان می‌دهد تفاوت میانگین دو گروه معنی‌دار است، لذا فرض صفر رد می‌شود و فرض مخالف پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر اختلاف نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی در مردان (۳۱/۸۴) کمتر از زنان (۳۴/۳۷) است؛ در نتیجه بین اختلاف میزان عقلانی اعضای هیأت علمی برحسب جنسیت آنها رابطه وجود دارد و فرضیه شماره ۲ برای گروه اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد متناسب با متغیر زمینه‌ای حاضر تأیید می‌گردد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.3.2.0]

مدل معادلات ساختاری

برای بررسی وضعیت نگرش عقلانی (۳ عامل) و بهزیستی اجتماعی (۵ عامل) مدل‌های تأییدی مرتبه دوم چند عاملی در محیط نرم افزار (PLS) ترسیم و مورد مطالعه قرار گرفتند.

همان‌گونه که در شکل ۱ مشخص است تأثیر هریک از ابعاد بهزیستی اجتماعی بر ابعاد نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد، معکوس و معنی‌دار است؛ به عبارت دیگر هرچه بهزیستی اجتماعی اعضای هیأت علمی این دانشگاه بیشتر باشد، نگرش عقلانی آنها کمتر است. ولی در برخی از ابعاد بهزیستی اجتماعی شاهد این امر هستیم که رابطه مستقیم با بعضی از ابعاد نگرش عقلانی دارند. به عنوان مثال، همبستگی اجتماعی با ابعاد ابزاری بودن و نیت‌مندی در نگرش عقلانی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارد در صورتی که با بعد کثرت‌گرایی رابطه معکوس و معنی‌داری دارد.

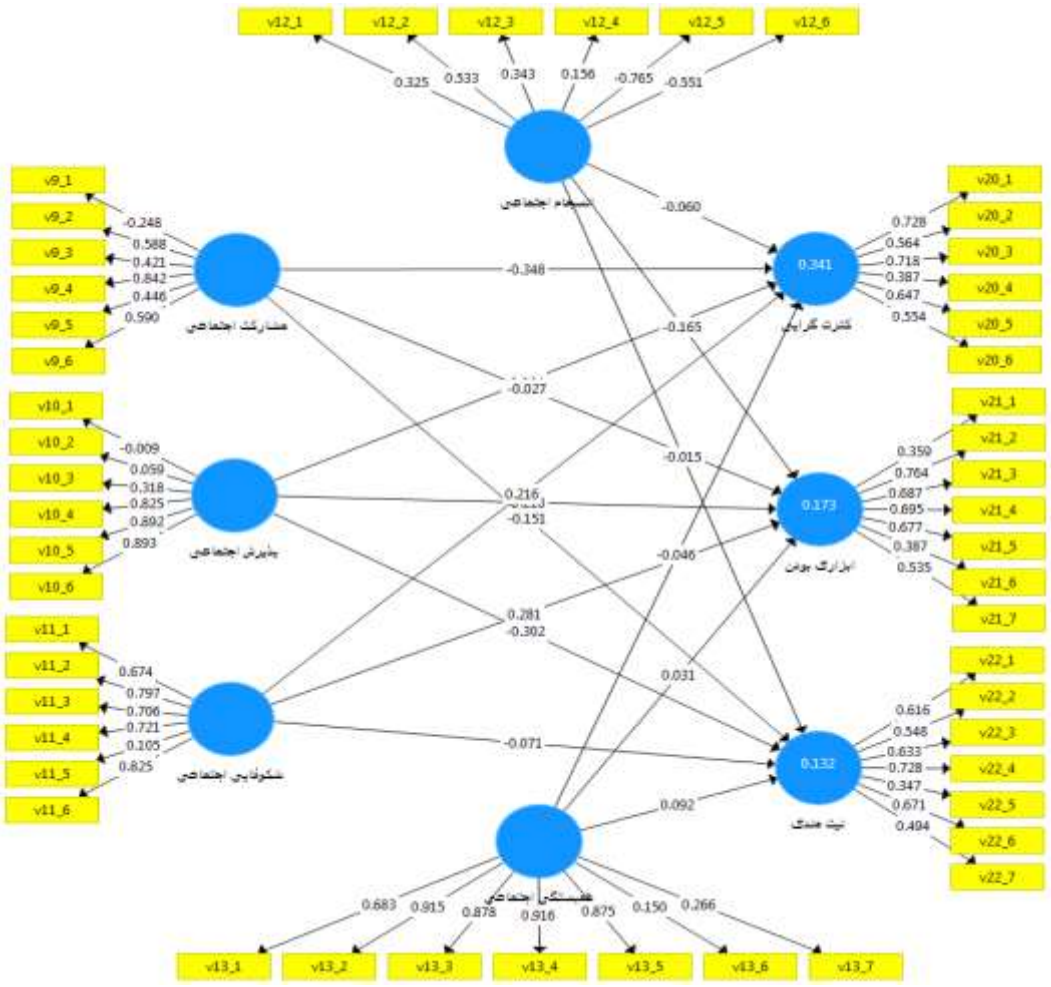

شکل ۲: مدل عاملی تأییدی مرتبه دوم همراه با بارهای عاملی هر مؤلفه در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد

همانطور که در شکل (۲) ملاحظه می‌شود نگرش عقلانی از ۳ زیرمقیاس شامل: کثرت‌گرایی، ابزاری بودن و نیت‌مندی و بهزیستی اجتماعی دارای ۵ زیرمقیاس (مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی، همبستگی اجتماعی) تشکیل شده است. نتایج بدست آمده حکایت از آن دارد که بارهای عاملی و ضرایب معناداری زیرمقیاس‌های نگرش عقلانی و بهزیستی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد به خصوص در برخی از ابعاد آن که در بالا بصورت دقیق توضیح داده شد، قابل قبول و در حد بالایی می‌باشد که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل می‌باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش عالی بخش مهم و حائز اهمیتی است که دارای حوزه اثرگذاری بسیار وسیعی در دیگر نهادها و بخش‌های اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی جامعه است. نظام آموزش عالی در همه جوامع از یک طرف با تربیت تخصصی افراد، مدیران و رهبران جامعه را در همه بخش‌ها آماده می‌سازد و از طرف دیگر با رشد توانایی‌ها، نبوغ و پتانسیل فکری انسان سبب توسعه مرزهای دانش بشری می‌گردد. مضافا اینکه با تحلیل چالش‌های مختلف و مسائل مبتلا به انسان، نه تنها به حل مسائل و اصلاح نارسایی‌ها می‌پردازد، بلکه به دلیل تقویت نیروی اکتشاف و نوآوری، خلاقیت و ابداع گسترش روحیه‌ای انتقادی در میان تحصیل‌کردگان امکان ترقی و بهبود تمامی ابزارهای زندگی را فراهم می‌سازد (هاروی، ۱۹۹۹).

این درحالی است که هم‌اکنون یکی از ریشه‌های بنیادی کم‌تحرکی علمی دانشگاه‌های ما در ضعف پرورش روحیه انتقادی و تفکر خلاق، القای روحیه فردگرایی در انجام فعالیت‌های تحصیلی و روحیه مدرک‌گرایی است (یمن‌دوزی‌سرخابی، ۱۳۸۰: ٤٠). توجه بیش از حد به عقلانیت (ابزاری و راهبردی) سبب دور شدن انسانها از دیگر ابعاد زندگی‌شان خواهد شد. بنابراین برای جلوگیری از اثرات سوء و تک بعدی عقلانیت، دیگر ابعاد شخصیتی انسانها بایستی مورد توجه قرار بگیرد؛ عقلانیت ارتباطی هابرماس گامی در این راستا است. برخلاف عقلانیت ابزاری که متکی بر رابطه ذهن و عین است. عقلانیت ارتباطی هابرماس به عنوان مبنای نظریه اجتماعی انتقادی عرضه می‌شود (هولاب، ۱۳۷۵: ٤٠).

تفوق تدریجی عقلانیت تقلیدی و نیم‌بند و بدون توجه به مبانی معرفتی این عقلانیت در غرب باعث شده است که استاد ایرانی دلخوش این امر باشد که در جامعه ایران به تلاش مشغول است. شاید فرصت‌هایی هم در اختیار داشته باشد که در غرب فعالیت‌های علمی خود را ادامه دهد؛ اما چرا غرب را کنار گذاشته و ایران را انتخاب کرده است؟ جزء این بوده است که عرق ملی و تاریخی داشته و می‌خواسته است خدمتگزار جامعه خود باشد؟ اما اگر قرار باشد عقلانیت فردی حاکم شود، مگر بیمار است که در ایران بماند؛ به غربی که مظهر عقلانیت فردی است می‌رود. وقتی می‌بیند دانشگاه از هویت تاریخی و ملی در حال فاصله‌گیری است، ترجیح می‌دهد به جایی برود که تبلور عقلانیت فردی و حسابگرانه است (افروغ، ۱۳۸۰).

در این راستا باتوجه به چارچوب نظری ارائه شده، تقویت مقوله‌هایی همچون: مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی، همبستگی اجتماعی و انسجام اجتماعی سبب افزایش بهزیستی اجتماعی در بین افراد یک جامعه می‌گردد. بنابراین، براساس نظریه کییز و نتایج بدست آمده از مطالعه پژوهش حاضر، با ارتقای بهزیستی اجتماعی در میان جامعه دانشگاهی (اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد) مشارکت‌ها افزایش پیدا می‌کند، ارتباطات در بین آنها از حالت ابزاری و منفعت‌طلبانه خارج می‌شود و ما شاهد برقراری ارتباط در بین دانشگاهیان از نوع جمعی و غیرحسابگرانه خواهیم بود. درواقع باتوجه به یافته‌های حاصل از این پژوهش، افزایش بهزیستی اجتماعی، منجر به کاهش نگرش عقلانی (عقلانیت ابزاری) در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد می‌گردد. بررسی رابطه بین بهزیستی اجتماعی و نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه یزد نشان می‌دهد که هرچقدر مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی و شکوفایی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی بیشتر باشد، به تبع آن عقلانیت ابزاری نیز کاهش خواهد یافت. در واقع نتایج نشان می‌دهد که با توجه به فرضیه اول پژوهش، بهزیستی اجتماعی می‌تواند بر ابعاد نگرش عقلانی در بین اعضای هیأت علمی (به غیر از بعد انسجام و همبستگی اجتماعی) تأثیر مثبت و معنی‌داری داشته باشد. در واقع هرچقدر مشارکت اجتماعی، پذیرش اجتماعی، شکوفایی اجتماعی در بین اعضای هیأت علمی بیشتر باشد (r = -۰/۱۳۷)، نگرش عقلانی در هریک از ابعاد آن کاهش پیدا می‌کند. همچنین، نتایج حاصل از بررسی اختلاف نگرش عقلانی اعضای هیأت علمی بر حسب جنسیت آنها با توجه به فرضیه دوم پژوهش، حکایت از آن دارد که تفاوت معناداری بین نگرش عقلانی مردان و زنان در بین اعضای هیأت علمی وجود دارد؛ بدین معنا که نگرش عقلانی (با توجه به ابعاد مؤلفه نگرش عقلانی که شامل کثرت‌گرایی، ابزاری بودن و نیت‌مندی می‌باشد و سؤالات طراحی شده در قالب این ابعاد، منظور عقلانیت ابزاری است) در بین زنان (شامل ۳٤/۳۷ درصد) بیشتر از مردان (شامل ۳۱/۸٤ درصد) می‌باشد.

متناسب با یافته‌های بدست آمده از پژوهش و براساس نظریه انتخاب عقلانی، جامعه مجموعه‌ای از افراد است که کنش عقلانی دارند. کنش عقلانی در اینجا، کنش عقلانی معطوف به هدف در تعبیر وبر یا کنش مبتنی بر عقلانیت ابزاری است. این افراد آگاه و مختار و هدفمند در هر شرایطی به دنبال بیشینه کردن سود خود هستند. کار فاعلانی عاقلانه است که در چارچوب اعتقاداتشان، نسبت به شقوق

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.3.2.0]

ممکنه و عواقب مختار شقوق، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه باشد (لیتل، ۱۳۷۳، به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۵). کلمن نیز معتقد است که در برخی موقعیت‌ها، استفاده از آن مفهوم از عقلانیت که در اقتصاد به کار می‌رود، ضروری است، مفهومی که اساس کنشگر عقلانی را در نظریه اقتصادی تشکیل می‌دهد. این مفهوم بر پایه اندیشه کنش‌های مختلف (یا در بعضی موارد کالاهای مختلف) استوار است که فایده معینی برای کنشگر دارد و همراه با یک اصل کنش است که می‌توان آن را اینگونه بیان کرد که کنشگر کنشی را انتخاب می‌کند که حداکثر فایده را نصیب او سازد (کلن، ۱۳۷۷، به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۵).

براساس مبانی نظری جهان‌زیست و حوزه عمومی، همراه با مفاهیم کنش ارتباطی و کنش عقلانی هابرماس می‌توان هدف‌گذاری معقولی را در آموزش عالی و دانشگاه‌ها شاهد بود. چنانچه هدف‌گذاری با مشارکت همه افراد و در حوزه عمومی شکل بگیرد و با کنش‌های عقلانی همراه گردد، تصمیمات به هنگام اجرا شده و عملیات با سهولت بیشتر و با انگیزه‌ای بهتر به اجرا در خواهند آمد؛ چرا که افراد مختلف خود در فرآیند هدف‌گذاری و تصمیم‌گیری مشارکت داشته و بر سر پذیرش هدف‌ها، پیشاپیش اتفاق‌نظر حاصل نموده‌اند. در صورتی که هدف‌گذاری بدون مشارکت عمومی و به صورت فردی و یکجانبه صورت گیرد، از آنجا که اتفاق‌نظر در باب اهداف وجود ندارد، تصمیمات اتخاذ شده در عمل و اجرا با مانع و اشکال مواجه خواهد شد. بنابراین نظریه کنش ارتباطی هابرماس می‌تواند از طریق نزدیک نمودن آراء و نظرات به یکدیگر، بر فرآیند هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات در آموزش عالی و دانشگاه تأثیر بگذارد (ستاری و همکاران، ۱۳۹۶). مطابق با نتایج حاکی از پژوهش و نظریه کنش ارتباطی هابرماس و بهزیستی اجتماعی کییز، میتوان نتیجه گرفت که ارتباطات مؤثر و قوی بین اعضای هیأت علمی دانشگاه تحت عنوان بهزیستی اجتماعی باعث کاهش ازخودبیگانگی اجتماعی و ناهنجاری اجتماعی و در نهایت افزایش مشارکت اجتماعی و عقلانیت ارتباطی بین آنها می‌شود.

باتوجه به مطالب ذکر شده در پژوهش حاضر، برای افزایش میزان بهزیستی اجتماعی و به دنبال آن کاهش عقلانیت ابزاری در بین مجموعه اعضای دانشگاهی در زیر به ارائه پیشنهاداتی پرداخته می‌شود:

۱. به وجود آوردن یک تئوری مناسب، برای تعیین جایگاه و اهداف دانشگاه؛

۲. از میان برداشتن حاکمیت تمرکزگرایی در بین برخی از اعضای هیأت علمی که این امر باعث افزایش آزادی عمل در بین اعضای دانشگاهی می‌شود، در نتیجه تصمیمات بهتری اتخاذ می‌شود و ما شاهد خروجی‌های بهتر از دانشگاه‌ها هستیم؛

۳. ایجاد نظم هنجاری و اجتماعی در زمینه معرفت‌شناسی، مفروضات علمی، ابزارها و ارتباطات علمی و هنجارهای جامعه‌ای که هر محقق جدا از انگیزه شخصی، به شبکه‌ای از هنجارهای اجتماعی وسیع‌تر مربوط به اجتماع علمی خود وابسته است که این مورد نیز زمینه‌ساز هدف اصلی پژوهش بعنی برقراری مشارکت‌های سازنده و افزایش عقلانیت ارتباطی در بین جامعه دانشگاهی می‌شود؛

٤. ایجاد زمینه‌هایی برای اافزایش تعلق و پذیرش اجتماعی که باعث ارتقاء مشارکت‌ها و برقراری ارتباطات اجتماعی در بین اعضای جامعه دانشگاهی و در نهایت زمینه‌ساز افزایش مشارکت و ارتباطات جمعی به نفع همه اعضای یک جامعه و توسعه و پیشرفت کشور می‌شود.

منابع

Asadbeighi, M; N, Abulqasem and Atahi, Y (2012). "Evaluating students' expected returns from university education", Research and Planning Quarterly in Higher Education, Number 68: 141-160.

Afrogh, E (2010). Iran's current challenges, Tehran: Hozha Haneri Publications.

Afjeh, A; Sam Aram, M (1389). "The effect of social health on job satisfaction (case study: employees of Iran Khodro Leasing Company)", welfare planning and social development, number three: 1-30.

Abbaspour, A; Mojtabizadeh, M; Maleki, H and Farastkhah, M (2015). "Theorizing about the ideal validation model of Iran's higher education system using grounded theory", Allameh Tabatabai University Leadership and Educational Management Research Quarterly, No. 9: 83-125.

Abbasi, M (2014). "Comparison of social well-being and social anxiety in students with and without specific learning disabilities", Journal of Learning Disabilities, number two: 74-91.

Amidi-Mozaheri, M; Karbasi, M and Mustafavidarani, F (2010). "Challenges of cultural, social and educational activities in Isfahan University of Medical Sciences", Special Journal of Health-Treatment Management, No. 8: 179-190.

Blanko, A., & Dario, D. (2007). Social order and mental health: A social well-being approach. Psychology in Spain, 11(1), 61-71.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]

Babapourkhairuddin, J and Toosi, F; Hekmati, I (1388). "Investigating the role of determining factors in the social health of Tabriz University students", Tabriz University Psychology, Number Four: 1-19.

Cohn, S., &Wills, T. (1985). Stress, social support, and the buffering hypothesis. Psychological Bulletin, 98(1),310-317.

Coleman, J (1377). Foundations of Social Theory, Manouchehr Sabouri Kashani, Tehran: Nei Publishing House.

Farastkhah, M (2017). The first meeting of the interaction between the academic system and the social environment with the presence of faculty members of some universities.

Gharun, M (2002). Estimate social demand for higher education for Iran in period 2001-2009. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 8(4): 71-118.

Ganji, H (2018). Psychology field of Atkinson and Hilgard, translator: Mehdi Ganji, Savalan Publishing.

Harvey, L (1999). 'New realities: the relationship between higher education and employment, Keynote presentation at the European Association of Institutional Research Forum, Lund, Sweden: August.

Heydari, Gh; Lyrical, Z (1387). "Normalization of Social Well-Being Questionnaire", Journal of Thought and Behavior, Number Seven: 31-40.

Habermas, U (1384). The theory of communicative action, translated by Kamal Poladi, Tehran: Iran Newspaper Publishing Institute.

Holab, R (1375). Jürgen Habermas: Appreciation of the Public Sphere - Philosophical Controversies of Habermas, translated by Hossein Bashirieh, Tehran: Nei Publishing House.

Javadi Yeganeh, M (1387). Sociological approach of rational choice theory, Culture Strategy Journal, No. 3: 34-64.

Javadi Yeganeh, M; Hashemi, Z (1384). "Conflict of individual interest and collective interest (social two-way) and the factors affecting it", Social Sciences Journal, 26th: 141-173.

Keyes, C. Shmotkin, D., &Ryff, C. (2002). Optimizing well- being: The empirical encounter of two traditions. Journal of Personality and Social Psychology, 82(2), 1007-1022.

Keyes, C., & Shapiro, A. (2004). Social well-being in the United States: A descriptive epidemiology. Chicago: University of Chicago Press.

Kalate Sadati, A (2014). "A critical approach to the theories of rational choice and the religious market and Islam's relationship with them", Scientific-Research Quarterly of Andisheh Navin Dini, No. 39: 122-140.

Larson, J. S. (1996). The World Health Organization's definition of health: Social versus spiritual health. Social Indicators Research, 38,181-192.

Little, D (1373). Explanation in social sciences: an introduction to the philosophy of social science, Abdul Karim Soroush, Tehran: Sarat.

Mohammadi, H; Zibakalam, F (2018). "Neoliberalism and the rise of accountability in the university; a reflection on the integration of the university as a quasi-market institution", Culture Strategy Magazine, 47th issue: 128-149.

Melayousofi, A. F; Sepah Mansour, M (2016). "Prediction of social well-being based on sociable personality and psychological reaction in students", Journal of Social Psychology, No. 44: 93-105.

Nurshahi, N; Farastkhah, M (2011). "Quality of working life of faculty members based on their lived experience", Iranian Higher Education Association, No. 2: 37-64.

Paul Anand (1993). Foundations of Rational Choice Under Risk, Oxford University Press.

Qaneirad, M. A (2015). The failure of the Iranian university; Avai Hamon's exclusive interview with Dr. Mohammad Amin Khanei Rad.

Qureshi Khorasgani, M; Yemeni Dozi Sarkhabi, M; Zakersalehi, Gh and M, G (2018). "Investigation of functional impairments of self-governing campuses of public universities in Tehran", Journal of Educational Sciences of Shahid Chamran University of Ahvaz, number one: 197-216.

Roberts, J. E., & Gotlib, I. H. (1997). Social support and personality in depression. In Sourcebook of social support and personality (pp. 187-214). Springer, Boston, MA.

Rezaei, O; Noghani Dekht Bahmani, M (2016). "Students' social well-being and factors influencing it", Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, 31-56.

Snellman, Carita Lilian (2015). University in Knowledge Society: Role and Challenges. Journal of System and Management Sciences, Vol. 5 (2015) No. 4, pp. 84-113.

Sattari, A; Yazdani, F and Farazi, A (2016). "Examination of Habermas' theory of communicative action and its implications in higher education in Iran", Journal of Educational Sciences of Shahid Chamran University of Ahvaz, number one: 121-150.

Sobhi Qaramalki, N; Pourabdel, S and Sajjadpour, H (2017). "The effectiveness of social skills training on improving the social well-being of bullied students", Psychological Methods and Models, No. 34: 1-15.

Safarinia, M; Azizi, Z (2018). "Effect of group therapy schema on social well-being and perception of social trust in students", Psychological Studies of Faculty of Educational Sciences and Psychology, Al-Zahra University (S), number one: 148-163.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.2008000.1400.13.3.2.0]

Terry, P. R (1997). Habermas & Education: Knowledge, communication, discourse, Curriculum Studies, 5 (3), 269-279.
Tracy, E. M. (1990). Identifying social support resources of at- risk families. Social Work, 35(3), 252-258.
Turner, J. H. 1998, The Structure of Sociological Theory, 6th edition. Belmont, CA: Wadsworth.
Yemeni Dozi Sarkhabi, M (2010). An introduction to studying the performance of academic systems, Shahid Beheshti University Publications.
Zare, B (2012). "Iranian University and Quality Issue", Social Sciences Journal, No. 69: 54-63.
www.mehrnews.com

The Relationship between Rational Attitude and Social Welfare of Faculty Members (Case Study: Yazd University) ❋

Mahnaz Forghani Tehrani[1]
Masoud Hadjizadeh Meymandi[2]
Seyed Alireza Afshani[3]
Habib Ansari Samani[4]

Abstract

The present article investigates the relationship between rational attitude and social welfare among faculty members of Yazd University. The research was conducted by survey method. Data were collected from 213 faculty members of Yazd University using a questionnaire technique and using stratified random sampling method. Rational attitude is measured in three dimensions of pluralism, instrumentalism and intentionality and social welfare in five dimensions of social participation, social acceptance, social prosperity, social cohesion and social solidarity. The validity of this research is content type and to measure its reliability, Cronbach's alpha coefficient was used, which had the desired values. Research data were analyzed using SPSS and SmartPLS statistical software.

Findings showed that according to the mean obtained from the two variables studied, instrumental rationality is low among faculty members of Yazd University, while the level of social welfare is high. Based on the data obtained from the Pearson correlation matrix, there is an inverse and significant relationship between the dimensions of social well-being (excluding the dimension of social cohesion and the dimension of social solidarity) with the dimensions of rational attitude with special emphasis on social acceptance; This means that the more the desired dimensions of social welfare increase, the lower the instrumental rationality among the faculty members of Yazd University decreases. Also, the study obtained from the independent t-test on the relationship between gender variables and rational attitude showed that the difference in rational attitude among faculty members is less in men than women, as a result, there is a relationship between differences in faculty members' rational attitudes by gender. Finally, the social welfare variable explains 19.18% of the changes in the rational attitude variable.

Keywords: rational attitude, social welfare, social acceptance, faculty members, Yazd University.

❋ This article is extracted from the doctoral dissertation titled; It is a rational attitude in a scientific organization (case study: Yazd University).

[1]- PhD student of economic sociology and development of Yazd University, Yazd, Iran, mahnaz.forghany@yahoo.com

[2]- Associate Professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran, (Corresponding Author), masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

[3] - Professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran, afshanialireza@yazd.ac.ir

[4] - Associate Professor of Sociology, Yazd University, Yazd, Iran, h.samani@yazd.ac.ir

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.20088000.1400.13.3.2.0]